

ورود به دبیرخانه شورای نگهبان
شماره ثبت: ۸۶، ۱۱، ۹۱۴۶
تاریخ ثبت: عصر
اقدام کننده: ۸۲۲۶

حضرت آیت الله احمد جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
لایحه موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و جلوگیری از
فراز مالی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ایتالیا که به مجلس شورای
اسلامی تقدیم گردیده بود و در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۸۶/۲/۵ مجلس
عیناً به تصویب رسیده است، به پیوست ارسال می گردد.

غلامعلی حدادعادل

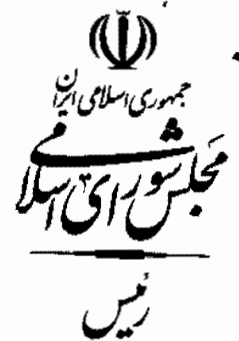
رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۳۷۶/۱۵۶۸۱

تاریخ: ۱۳۸۶/۰۲/۰۹

بوست:

بیت



**لایحه موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و
جلوگیری از فرار مالی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و
دولت جمهوری ایتالیا**

ماده واحده - موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و جلوگیری از فرار مالی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ایتالیا مشتمل بر یک مقدمه، بیست و نه ماده و پروتکل ضمیمه آن به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می شود.

تبصره - هزینه های مالی موضوع بند (۴) ماده (۱۱) موافقتنامه مجوز کسب درآمد غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

**موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و
جلوگیری از فرار مالی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری
ایتالیا**

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ایتالیا با تمایل به انعقاد موافقتنامه ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و جلوگیری از فرار مالی، به شرح زیر توافق نمودند:

فصل اول - دامنه شمول موافقتنامه

ماده ۱ - اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دوی آنها باشند.

ماده ۲ - مالیاتهای موضوع موافقتنامه

۱- این موافقتنامه شامل مالیاتهای بردرآمد است که صرفنظر از نحوه اخذ آنها، از سوی هر دو دولت متعاقد یا تقسیمات فرعی سیاسی و اداری یا مقامات محلی آنها وضع می‌گردد.

۲- مالیات بر درآمد عبارت است از کلیه مالیاتهای وضع شده بر کل درآمد یا اجزای درآمد از جمله مالیات بر درآمدهای حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیاتهای موجود مشمول این موافقتنامه به ویژه عبارتند از:

الف - درمورد ایتالیا:

- مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی.

- مالیات بر درآمد شرکتهای.

- مالیات محلی فعالیتهای تولیدی.

خواه به صورت مالیات تکلیفی اخذ گردد و خواه به نحو دیگر. (که از این پس «مالیات ایتالیا» نامیده می‌شود)

ب - درمورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد مستغلات.

- مالیات بر درآمد کشاورزی.

- مالیات بر درآمد حقوق.

- مالیات بر درآمد مشاغل.

- مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی.

۴- این موافقتنامه شامل مالیاتهایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیاتهای موجود بوده و بعد از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه و یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد، یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

فصل دوم - تعاریف

ماده ۳ - تعاریف کلی

- ۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا نماید:
- الف - اصطلاح «ایتالیا» به جمهوری ایتالیا اطلاق و علاوه بر مناطق داخل مرزهای زمینی شامل مناطق دریایی آن نیز می‌شود. دریای سرزمینی همچنین شامل مناطق دریایی و بستر دریا می‌باشد که ایتالیا طبق حقوق بین‌الملل حقوق حاکمیت و یا صلاحیت خود را بر آنها اعمال می‌نماید.
- ب - اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می‌شود و شامل مناطق دریایی آن نیز می‌گردد.
- پ - اصطلاحات «یک دولت متعاهد» و «دولت متعاهد دیگر» بنا به اقتضای متن به جمهوری ایتالیا یا جمهوری اسلامی ایران اطلاق می‌گردد.
- ت - اصطلاح «شخص» اطلاق می‌شود به:
- شخص حقیقی.
 - شرکت یا هر مجموعه دیگری از افراد.
- ث - اصطلاح «شرکت» اطلاق می‌شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می‌شود.
- ج - اصطلاحات «مؤسسه یک دولت متعاهد» و «مؤسسه دولت متعاهد دیگر» به ترتیب به مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاهد و مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم دولت متعاهد دیگر اداره می‌گردد اطلاق می‌شود.
- چ - اصطلاح «حمل و نقل بین‌المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی یا وسایط نقلیه هوایی اطلاق می‌گردد که توسط مؤسسه‌ای که محل مدیریت مؤثر آن در یک دولت متعاهد قرار دارد اداره می‌گردد، به استثنای مواردی که کشتی یا وسایط نقلیه هوایی صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در دولت متعاهد دیگر استفاده شود.
- ح - اصطلاح «تبعه» به:
- هر شخص حقیقی که تابعیت یک دولت متعاهد را داشته باشد.
 - هر شخص حقوقی، مشارکت و انجمنی که وضعیت قانونی خود را از قوانین جاری در یک دولت متعاهد کسب نماید، اطلاق می‌گردد.

خ - اصطلاح «مقام صلاحیتدار»:

- در مورد ایتالیا به وزارت اقتصاد و دارایی.

- در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او

اطلاق می شود.

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف

نشده باشد، دارای معنای به کار رفته در قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیاتهای موضوع

این موافقتنامه است، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد.

ماده ۴ - مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق

می شود که به موجب قوانین آن دولت متعاقد، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل

مدیریت، محل ثبت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین

شامل آن دولت یا مقام محلی آن نیز خواهد بود. با وجود این اصطلاح مزبور شامل شخصی

نخواهد بود که صرفاً به لحاظ کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات آن

دولت می شود.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد

باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف - او فقط مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن محل سکونت دائمی در اختیار

دارد، اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، فقط مقیم دولت

متعاهدی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع

حیاتی).

ب - هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا

چنانچه او در هیچ یک از دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، فقط مقیم

دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد.

پ - هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاقد به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد،

مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد.

ت - هرگاه او تبعه هیچ یک از دو دولت نباشد موضوع با توافق مقامات صلاحیتدار

دو دولت متعاقد حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورتی که حسب مقررات بند(۱)، شخصی غیر از شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، آن شخص فقط مقیم دولتی تلقی خواهد شد که محل مدیریت مؤثر وی در آن واقع است.

ماده ۵ - مقرر دائم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقرر دائم» به محل ثابتی اطلاق می شود که از طریق آن، مؤسسه کلاً یا جزئاً به کسب و کار اشتغال دارد.

۲- اصطلاح «مقرر دائم» به ویژه شامل موارد زیر است:

الف - محل اداره

ب - شعبه

پ - دفتر

ت - کارخانه

ث - کارگاه

ج - معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، بهره برداری و یا استخراج از منابع طبیعی.

چ - کارگاه ساختمانی یا پروژه ساخت، سوار کردن یا نصب ساختمان که بیش از دوازده ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

۳- اصطلاح «مقرر دائم» شامل موارد زیر تلقی نخواهد شد:

الف - استفاده از تسهیلات، صرفاً به منظور انبار کردن و نمایش اجناس یا کالاهای

متعلق به مؤسسه.

ب - نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش.

پ - نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط

مؤسسه دیگر.

ت - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس یا

گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه.

ث - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام تبلیغات، جمع آوری

اطلاعات یا تحقیقات علمی یا فعالیتهای مشابه که برای آن مؤسسه دارای جنبه تمهیدی یا

کمکی باشد.

۴- در صورتی که شخصی (غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند ۵ است) در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه دولت متعاقد دیگر فعالیت نماید و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه در آن دولت باشد و اختیار مزبور را به طور معمول اعمال کند، در دولت نخست دارای مقر دائم تلقی خواهد شد مگر آن که فعالیتهای شخص مزبور محدود به خرید کالا یا اجناس برای آن مؤسسه باشد.

۵- مؤسسه یک دولت متعاقد صرفاً به سبب آن که در دولت متعاقد دیگر از طریق حق‌العاملکار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد، در آن دولت متعاقد دیگر دارای مقر دائم تلقی نخواهد شد مشروط بر آن که عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد. مع‌ذلک، در صورتی که فعالیتهای چنین عاملی به‌طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد، وی از لحاظ این بند به عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد مگر آن که ثابت شود معاملات بین عامل و مؤسسه تحت شرایط توافق شده‌ای انجام شده که بین طرفهای مستقل انجام می‌شود.

۶- صرف این که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، شرکت مقیم و یا فعال در دولت متعاقد دیگر را کنترل می‌کند و یا تحت کنترل آن قرار دارد یا در آن دولت دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهد (خواه از طریق مقر دائم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای این که یکی از آنها مقر دائم دیگری محسوب شود کافی نخواهد بود.

فصل سوم - مالیات بر درآمد

ماده ۶ - درآمد حاصل از اموال غیرمنقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاقد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری) مشمول مالیات آن دولت دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح «اموال غیرمنقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیرمنقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیرمنقول و حقوق مربوط به پرداختهای ثابت یا متغیر در ازای

کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه‌ها و سایر منابع طبیعی از جمله چاههای نفت، گاز و معدن سنگ نیز به عنوان اموال غیرمنقول محسوب خواهد شد. کشتی‌ها، قایق‌ها و وسائط نقلیه هوایی به عنوان اموال غیرمنقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیرمنقول جاری خواهد بود.

۴- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷ - درآمدهای تجاری

۱- درآمد مؤسسه یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر این که این مؤسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد.

چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار بپردازد، درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دائم مذکور باشد مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- با رعایت مقررات بند (۳) در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاقد از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر فعالیت نماید، آن مقر دائم در هر یک از دو دولت متعاقد دارای درآمدی تلقی می‌شود که اگر به صورت مؤسسه‌ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه‌ای که مقر دائم آن است به فعالیتهای نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می‌توانست تحصیل کند.

۳- در تعیین درآمد مقر دائم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرایی و هزینه‌های عمومی اداری تا حدودی که این هزینه‌ها برای مقاصد آن مقر دائم تخصیص یافته باشد، کسر خواهد شد، اعم از آن که در دولتی که مقر دائم در آن واقع شده است، انجام پذیرد یا در جای دیگر.

۴- چنانچه در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقر دائم براساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذ باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.



۵- صرف آن که مقرر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می‌کند موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقرر دائم نخواهد بود.

۶- از لحاظ بندهای پیشین، درآمد منظور شده برای مقرر دائم به سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آن که دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مفاد این ماده خدشه‌ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸ - کشتیرانی و حمل و نقل هوایی

درآمد حاصل از فعالیت کشتی‌ها یا وسایط نقلیه هوایی در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است خواهد بود.

ماده ۹ - مؤسسات شریک

۱- در صورتی که:

الف - مؤسسه یک دولت متعاهد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشد.

ب - اشخاصی واحد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاهد و مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشند.

و شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید عاید یکی از این مؤسسات می‌شد ولی به علت آن شرایط عاید نشده است می‌تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاهد درآمدهایی که در دولت متعاهد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاهد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو

مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت متعاهد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. توافق حاصله صرفاً طبق آئین توافق دوجانبه موضوع ماده (۲۵) این موافقتنامه انجام خواهد شد.

ماده ۱۰ - سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲- مع ذلک این سود سهام ممکن است در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مقیم آن است و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که دریافت‌کننده مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از مبالغ زیر تجاوز نخواهد کرد.
الف - پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص سود سهام در صورتی که مالک منافع شرکتی باشد که حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) سرمایه شرکت پرداخت‌کننده سود سهام را در اختیار داشته باشد.

ب - پانزده درصد (۱۵٪) مبلغ ناخالص سود سهام در کلیه سایر موارد.
این بند تأثیری بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت می‌شود نخواهد داشت.

۳- اصطلاح «سود سهام» به نحوی که در این ماده به کار رفته است اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام معادن، سهام مؤسین یا سایر حقوق (به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین مالیاتی دولت محل اقامت شرکت تقسیم‌کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

۴- هرگاه مالک منافع سود سهام مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دائم واقع در آن به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، سود سهام مزبور در آن دولت متعاهد دیگر و طبق قوانین آن مشمول مالیات خواهد بود.

۵- در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاقد منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت متعاقد دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر باشد) و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شود.

ماده ۱۱ - هزینه های مالی

۱- هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.

۲- مع ذلک، این هزینه های مالی ممکن است در دولت متعاقدی که حاصل شده طبق قوانین آن نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده مالک منافع هزینه های مالی باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص هزینه های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- علی رغم مقررات بند (۲) هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاقد در موارد ذیل از پرداخت مالیات در آن دولت معاف خواهد بود:

الف - پرداخت کننده هزینه های مالی حکومت آن دولت متعاقد یا مقام محلی مربوطه باشد، یا

ب - هزینه های مالی به حکومت دولت متعاقد دیگر یا مقام محلی مربوطه یا هر نمایندگی یا سازمان تابعه (از جمله مؤسسه مالی) که کلاً متعلق به آن دولت متعاقد دیگر یا مقام محلی مربوطه باشد پرداخت شود، یا

پ - هزینه های مالی مربوط به وام های اعطایی باشد که در اجرای موافقتنامه منعقد شده بین حکومت های دولتهای متعاقد به هر نمایندگی یا سازمان تابعه (از جمله مؤسسه مالی) پرداخت می شود.

۴- اصطلاح «هزینه های مالی» به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی، اوراق قرضه یا سهام قرضه (اعم از آن که دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع باشد یا نباشد) و هر نوع مطالبات دینی، همچنین کلیه سایر

درآمدهای مشابه حاصل از درآمد وام اعطایی به موجب قانون مالیاتی دولتی که درآمد مزبور در آنجا حاصل می‌شود، اطلاق می‌گردد.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه‌های مالی در آن جا حاصل شده از طریق مقر دائم فعالیت شغلی داشته‌باشد یا در دولت متعاقد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مربوط به این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) الی (۳) اعمال نخواهد شد. در این صورت هزینه‌های مالی طبق قانون آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات می‌باشد.

۶- هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاقد تلقی خواهدگردید که پرداخت کننده خود دولت، تقسیم فرعی سیاسی و اداری، مقام محلی یا فردی مقیم آن دولت باشد، مع‌ذلک، در صورتی که شخص پرداخت‌کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد و در ارتباط با دینی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این هزینه‌های مالی برعهده آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهدشد که هزینه‌های مالی مذکور در دولت متعاقد محل وقوع مقر دائم یا پایگاه ثابت حاصل شده‌است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت‌کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه‌های مالی که درمورد مطالبات دینی پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت نبود چنین ارتباطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهدشد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهدبود.

ماده ۱۲ - حق‌الامتیازها

۱- حق‌الامتیازهایی که در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت‌شده، در صورتی که فرد مقیم مالک منافع حق‌الامتیازها باشد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر خواهدبود.

۲- مع‌ذلک، این حق‌الامتیازها ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده مطابق قوانین آن دولت مشمول مالیات شود، لکن در صورتی که دریافت‌کننده مالک منافع

حق الامتیاز باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح «حق الامتیاز» به نحوی که در این ماده به کار رفته است به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی یا نوارهای رادیویی یا تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، علمی و بازرگانی و اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می شود.

۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیاز مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الامتیاز حاصل می شود از طریق مقرر دائم فعالیت شغلی داشته باشد یا در دولت متعاقد دیگر از طریق پایگاه ثابت خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می شود به طور مؤثری با این مقرر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت حق الامتیازها طبق قانون مربوطه آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات خواهد بود.

۵- حق الامتیاز در یک دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده خود آن دولت، تقسیم فرعی سیاسی و اداری، مقام محلی یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع ذلک، در صورتی که شخص پرداخت کننده حق الامتیاز، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد دارای مقرر دائم یا پایگاه ثابتی باشد که حق یا اموال موجد حق الامتیاز به نحوی مؤثر با آن مقرر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته و پرداخت حق الامتیاز برعهده مقرر دائم یا پایگاه ثابت مذکور باشد، حق الامتیاز در دولت متعاقدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقرر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

۶- چنانچه به سبب وجود رابطه ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق الامتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق استفاده یا اطلاعاتی که بابت آنها حق الامتیاز پرداخت می شود، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳ - عواید سرمایه‌ای

- ۱- عواید حاصل از نقل و انتقال اموال غیر منقول مذکور در بند (۲) ماده (۶) مشمول مالیات دولت متعاهدی می‌شود که اموال مزبور در آن قرار دارد.
- ۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر دائم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر می‌باشد یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.
- ۳- عواید حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاهد از نقل و انتقال کشتی‌ها یا وسایط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها یا وسایط نقلیه هوایی فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است.
- ۴- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲) و (۳) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴ - خدمات شخصی مستقل

- ۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیتهای مستقل مشابه فقط در آن دولت متعاهد مشمول مالیات خواهد بود مگر آن که این شخص به منظور ارائه فعالیتهای خود به طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر خواهد بود.
- ۲- اصطلاح «خدمات حرفه‌ای» به ویژه شامل فعالیتهای مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی، آموزشی و همچنین فعالیتهای مستقل پزشکان، وکلای دادگستری، مهندسان، معماران، دندانپزشکان و حسابداران می‌باشد.

ماده ۱۵ - خدمات شخصی غیرمستقل

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) حقوق، مزد و سایر حق الزحمه‌های مشابهی که مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آن که استخدام در دولت متعاقد دیگر انجام شود که در این صورت حق الزحمه حاصل از آن مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق الزحمه مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آن که:

الف - جمع مدتی که دریافت‌کننده در یک یا چند نوبت در دولت متعاقد دیگر بسر برده است از یکصد و هشتاد و سه روز، در دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند، و

ب - حق الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت دیگر نیست پرداخت شود، و

پ - پرداخت حق الزحمه برعهده مقرر دائم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت دیگر دارد.

۳- علی‌رغم مقررات یادشده در این ماده، حق الزحمه پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد بابت استخدام در کشتی یا وسایط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ماده ۱۶ - حق الزحمه مدیران

حق الزحمه مدیران و پرداختهای مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

ماده ۱۷ - هنرمندان و ورزشکاران

۱- درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو و تلویزیون، یا موسیقیدان یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی خود در

دولت متعاقد دیگر حاصل می‌نماید. علی‌رغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵) مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، علی‌رغم مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵) آن درآمد مشمول مالیات دولت متعاهدی می‌شود که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گیرد.

۳- مقررات بندهای (۱) و (۲) نسبت به درآمد حاصل از فعالیتهای انجام شده در یک دولت متعاقد توسط هنرمند یا ورزشکار نافذ نخواهد بود، مشروط بر آن که هزینه دیدار از آن دولت کلاً یا عمدتاً از وجوه عمومی دولت دیگر، تقسیمات فرعی سیاسی و اداری یا مقامات محلی آن یا توسط مؤسسه‌ای که به عنوان مؤسسه غیرانتفاعی شناخته شده باشد، پرداخت شود که در این صورت درآمد مزبور فقط در دولت متعاهدی که شخص مذکور مقیم آن است مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۸ - حقوق بازنشستگی

با رعایت مفاد بند (۲) ماده (۱۹) حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به ازای خدمات گذشته فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ماده ۱۹ - خدماتی دولتی

۱ -

الف - حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی، به استثناء حقوق بازنشستگی توسط یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی و اداری یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت، تقسیم فرعی یا مقام فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ب - مع‌ذلک، در صورتی که خدمات در آن دولت انجام و شخص حقیقی مقیم آن دولت باشد، این حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه فقط مشمول مالیات دولت دیگر خواهد بود، مشروط بر آن که آن شخص مقیم: - تابع آن دولت متعاقد دیگر بوده و یا

- صرفاً برای ارائه خدمات مزبور مقیم آن دولت نشده باشد.

-۲

الف - حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یک دولت متعاقد و یا از محل صندوق ایجاد شده از طرف آن دولت، تقسیم فرعی سیاسی و اداری یا مقام محلی آن به فردی در خصوص خدماتی که برای آن دولت، تقسیم فرعی یا مقام مزبور انجام داده است، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ب - مع هذا در صورتی که شخص مزبور تابع و مقیم آن دولت متعاقد دیگر باشد، حقوق بازنشستگی مزبور در آن دولت متعاقد مشمول مالیات خواهد بود.

۳- در مورد حقوق، مزد و سایر حق الزحمه های مشابه یا مقرری های بازنشستگی بابت خدمات ارائه شده در خصوص فعالیت های تجاری که یکی از دولت های متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی و اداری یا مقام محلی آن انجام می دهد مقررات مواد (۱۵)، (۱۶) و (۱۸) مجری خواهد بود.

ماده ۲۰ - مدرسین، معلمین

۱- مدرس یا معلمی که به منظور تدریس یا انجام تحقیق در دانشگاه، دانشکده، مدرسه یا سایر مؤسسات آموزشی موقتاً برای دوره ای که از دو سال تجاوز نکند از یک دولت متعاقد دیدار می کند و شخص مذکور مقیم، یا بلافاصله قبل از دیدار مزبور مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، از مالیات دولت متعاقد نخست بابت حق الزحمه آن تدریس یا تحقیق معاف خواهد بود.

۲- مقررات بند (۱) این ماده در مورد درآمد حاصل از تحقیقی که به منظور منافع عمومی صورت نگرفته، بلکه برای منافع خصوصی شخص یا اشخاص خاصی انجام گردد نافذ نخواهد بود.

ماده ۲۱ - محصلین

وجوهی که محصل یا کارآموزی که بلافاصله قبل از دیدار از یک دولت متعاقد مقیم دولت متعاقد دیگر بوده و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت نخست بسر می برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می دارد مشمول مالیات آن

دولت نخواهد بود، مشروط بر آن که پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت حاصل شود.

ماده ۲۲ - سایر درآمدها

۱- ارقام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود صرفاً مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.
۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقرر دائم واقع در آن به کسب و کار بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در خصوص آن حاصل شده است با این مقرر دائم یا پایگاه ثابت به نحو مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) مجری نخواهد بود. در این صورت ارقام درآمد فوق حسب مقررات آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات خواهد بود.

۳- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین اشخاص که از بابت فعالیتهای آنها درآمد مذکور در بند (۱) حاصل می شود، پرداختهای این گونه فعالیتهای از مبلغ توافق شده توسط اشخاص مستقل تجاوز نماید، مقررات بند (۱) فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این صورت قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

فصل چهارم - آئین حذف مالیات مضاعف

ماده ۲۳ - حذف مالیات مضاعف

موافقت می شود طبق مفاد این ماده از اخذ مالیات مضاعف اجتناب گردد:
۱- در مورد ایتالیا:

در صورتی که مقیم ایتالیا ارقام درآمدی داشته باشد که مشمول مالیات جمهوری اسلامی ایران شود، ایتالیا در تعیین مالیاتهای بردرآمدی که در ماده (۲) این موافقتنامه معین گردیده، می تواند ارقام درآمد مزبور را براساس آنچه که این مالیاتها وضع گردیده اند، منظور نماید مگر آن که مقررات خاص دیگری در این موافقتنامه پیش بینی شده باشد.

در این صورت ایتالیا از مالیاتهایی که به این ترتیب محاسبه می‌شوند مالیات بردرآمد پرداخت شده در ایران را کسر خواهد نمود. لیکن این گونه کسورات نباید از آن قسمت از مالیات ایتالیا که به این گونه ارقام درآمد نسبت به کل آن تعلق می‌گیرد تجاوز نماید. مع هذا در صورتی که ارقام درآمد مزبور در ایتالیا طبق قوانین دولت ایتالیا مشمول مالیات تکلیفی نهایی باشند، به درخواست شخص تحصیل‌کننده درآمد مذکور هیچ نوع کسوراتی لحاظ نخواهد شد.

۲- در مورد جمهوری اسلامی ایران:

در صورتی که مقیم جمهوری اسلامی ایران درآمدی حاصل کند که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات دولت ایتالیا شود، جمهوری اسلامی ایران اجازه خواهد داد مبلغی برابر با مالیات بردرآمد پرداختی در ایتالیا از مالیات بردرآمد آن مقیم کسر شود. مع ذلک این گونه کسورات نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر، حسب مورد به آن درآمد تعلق می‌گرفته، بیشتر باشد.

در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل توسط مقیم جمهوری اسلامی ایران از مالیات ایتالیا معاف باشد، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند علی‌رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقی‌مانده درآمد این مقیم، درآمد معاف شده را منظور کند.

فصل پنجم - مقررات خاص

ماده ۲۴ - عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگین‌تر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت متعاهد دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی‌رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات در مورد اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاهد نیستند نیز نافذ خواهد بود.

۲- مالیاتی که از مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر اخذ می‌شود نباید از مالیات مؤسسات آن دولت متعاهد دیگر که همان فعالیتها را انجام می‌دهند نامساعدتر باشد. این مقررات به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را ملزم

نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که بابت احوال شخصیه یا مسؤولیت‌های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می‌نماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطاء کند.

۳- به جز در مواردی که مقررات بند (۱) ماده (۹)، بند (۷) ماده (۱۱) یا بند (۶) ماده (۱۲) اعمال می‌شود، هزینه‌های مالی، حق‌الامتياز و سایر هزینه‌های پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر از لحاظ تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت شده بود.

۴- مؤسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می‌باشد، در دولت نخست مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگین‌تر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۵- علی‌رغم مقررات ماده (۲)، مفاد این ماده در مورد انواع مالیات‌ها از هر نوع و ماهیت نافذ می‌باشد.

ماده ۲۵ - آئین توافق دوجانبه

۱- در صورتی که شخصی بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی‌باشد، صرف‌نظر از طرق احقاق حق پیش‌بینی شده در قوانین داخلی دولت‌های مزبور، می‌تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۴) باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده، تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه‌حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی‌باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد. هرگونه

توافقی که حاصل شود علی‌رغم محدودیتهای زمانی موجود در قوانین داخلی دولتهای متعاقد لازم‌الاجراء خواهد بود.

۳- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دوجانبه فیصله دهند. آنها همچنین می‌توانند به منظور حذف مالیاتهای مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش‌بینی نشده است با یکدیگر مشورت نمایند.

۴- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد می‌توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً یا یکدیگر ارتباط حاصل کنند. در صورتی که برای دستیابی به توافق، تبادل شفاهی نظرات ضروری به نظر برسد این امر از طریق کمیسیون مرکب از نمایندگان مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد انجام خواهد شد.

ماده ۲۶ - تبادل اطلاعات

۱- مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اجرای قوانین داخلی مربوط به مالیاتها از هرنوع و ماهیت که توسط دولتهای متعاقد یا تقسیمات فرعی سیاسی و اداری یا مقامات محلی آنها وضع می‌گردد تا جایی که مغایر با اصول این موافقتنامه نباشد و همچنین برای جلوگیری از فرار مالی، مبادله خواهند کرد. مفاد مواد (۱) و (۲) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی‌شود. هرنوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاقد دریافت می‌شود به همان شیوه‌ای که اطلاعات به دست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری می‌شود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد و فقط برای اشخاص یا مقامات (از جمله دادگاهها و مراجع اداری) که به امر تشخیص، وصول، اجراء یا پیگیری اشتغال دارند، یا در مورد پژوهش‌خواهیهای مربوط به مالیاتهای مذکور در اولین جلسه تصمیم‌گیری می‌کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یادشده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضایی فاش سازند.

۲- مقررات بند(۱) در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را وادار سازد:

الف - اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاقد دیگر اتخاذ نماید.

ب - اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ - اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

ماده ۲۷ - اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی و مناصب کنسولی مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

فصل ششم - مقررات نهایی

ماده ۲۸ - لازم‌الاجراء شدن

۱- این موافقتنامه تصویب خواهد شد.

۲- این موافقتنامه از تاریخ دریافت آخرین یادداشتی که به موجب آن دولت‌های متعاقد یکدیگر را از تکمیل مقررات و مراحل داخلی مربوطه مطلع می‌سازند، لازم‌الاجراء و مقررات آن در موارد زیر نافذ خواهد بود:
الف - در مورد مالیات‌های تکلیفی:

- در ایتالیا، نسبت به مبالغ حاصله از اول ژانویه یا به بعد (مطابق با یازدهم دی‌ماه) سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد.

- در جمهوری اسلامی ایران نسبت به مبالغ حاصله از اول فروردین یا به بعد (مطابق با بیست و یکم مارس) سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد.

ب - در مورد سایر مالیاتهای بر درآمد:

- در ایتالیا نسبت به مالیاتهای متعلقه در هر دوره مالیاتی که از اول ژانویه یا به بعد (مطابق با یازدهم دی ماه) سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجراء می گردد، شروع می شود.

- در جمهوری اسلامی ایران نسبت به مالیاتهای متعلقه در هر دوره مالیاتی که از اول فروردین یا به بعد (مطابق با بیست و یکم مارس) سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجراء می گردد، شروع می شود.

ماده ۲۹ - فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاهد فسخ نشده لازم الاجراء خواهد بود. هر یک از دولتهای متعاهد می تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنج ساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجراء می گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر اعمال نخواهد شد:

الف - در مورد مالیاتهای تکلیفی:

- در ایتالیا نسبت به مبالغ حاصله از اول ژانویه یا به بعد (مطابق با یازدهم دی ماه) سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ تسلیم شده است.

- در جمهوری اسلامی ایران، نسبت به مبالغ حاصله از اول فروردین یا به بعد (مطابق با بیست و یکم مارس) سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ تسلیم شده است.

ب - در مورد سایر مالیاتهای بر درآمد:

- در ایتالیا نسبت به مالیاتهای متعلقه در هر دوره مالیاتی که از اول ژانویه یا به بعد (مطابق با یازدهم دی ماه) سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ تسلیم شده است، شروع می شود.

- در جمهوری اسلامی ایران، نسبت به مالیاتهای متعلقه در هر دوره مالیاتی که از اول فروردین یا به بعد (مطابق با بیست و یکم مارس) سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ تسلیم شده است، شروع می شود.

امضاء کنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود مجاز می‌باشند، این موافقتنامه را امضاء نمودند.

این موافقتنامه در تهران در دو نسخه اصلی در تاریخ سی ام دی ماه هجری شمسی (برابر با نوزدهم ژانویه ۲۰۰۵ میلادی) به زبانهای فارسی، ایتالیایی و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف دولت
جمهوری ایتالیا

از طرف دولت
جمهوری اسلامی ایران

پروتکل

پروتکل الحاقی به موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیات بر درآمد و جلوگیری از فرار مالی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ایتالیا

در زمان امضاء موافقتنامه که امروز بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ایتالیا به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیات بر درآمد و جلوگیری از فرار مالی منعقد شده، امضاء کنندگان زیر در مورد مقررات الحاقی ذیل که جزء لاینفک موافقتنامه مذکور می‌باشد به توافق رسیدند.
بدیهی است که:

- ۱- راجع به بند (۳) ماده (۷) اصطلاح «هزینه‌های انجام شده برای مقرر دائم» به هزینه‌هایی اطلاق می‌شود که مستقیماً با فعالیت مقرر دائم مرتبط باشند.
- ۲- راجع به ماده (۸) درآمد حاصل از فعالیت کشتی‌ها یا وسائط نقلیه هوایی در حمل و نقل بین‌المللی شامل موارد زیر می‌گردد:

الف - درآمد حاصل از اجاره کشتی (بدون خدمه و تجهیزات) یا وسائط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی.

ب - درآمد حاصل از استفاده یا اجاره کانتینرها در صورتی که درآمد مزبور نسبت به سایر درآمدهای حاصل از فعالیت کشتی‌ها یا وسائط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی جنبه اتفاقی داشته باشد.

۳- راجع به بند (۴) ماده (۱۰)، بند (۵) ماده (۱۱)، بند (۴) ماده (۱۲)، بند (۲) ماده (۲۲)، از آخرین جمله مذکور در آنها مغایرتی با اصول مندرج در مواد (۷) و (۱۴) این موافقتنامه استنباط نمی‌شود.

۴- راجع به ماده (۱۸) وجوه پرداختی بابت خرید خدمت یا پرداختهای یکجای مشابه و پرداختهایی که به عنوان انفصال از کار یا استخدام در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت می‌گردد در دولتی که حاصل شده و طبق قوانین آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

۵- مالیاتهای تکلیفی که بنا به درخواست مؤدی مالیاتی تا جایی که حق اخذ آنها به وسیله مقررات مندرج در این موافقتنامه محدود گردیده قابل استرداد می‌باشد. درخواست مزبور باید ظرف مدت تعیین شده در قوانین مالیاتی دولت متعاقدی که مسؤول استرداد مالیات می‌باشد تسلیم و باید به تأیید رسمی مقام صلاحیتدار دولت متعاقدی که مؤدی مالیاتی مقیم آن است رسیده و حاکی از آن باشد که شرایط استفاده از معافیتها و تخفیفات مذکور در این موافقتنامه را دارد. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد با توافق دوجانبه و طبق مقررات ماده (۲۵) درخصوص سایر روشهای اجرای محدودیتهای مندرج در این موافقتنامه به توافق خواهند رسید.

۶- هیچ چیز در این موافقتنامه مانع اجرای قوانین مالیاتی داخلی دولتهای متعاقد برای جلوگیری از فرار مالی و اجتناب از مالیات نخواهد بود.

امضاء کنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود مجاز می‌باشند. این موافقتنامه را امضاء نمودند.

این پروتکل در تهران در دو نسخه اصلی در تاریخ سی‌ام دی‌ماه ۱۳۸۳ هجری شمسی (برابر با نوزدهم ژانویه ۲۰۰۵ میلادی) به زبانهای فارسی، ایتالیایی و انگلیسی

تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف دولت
جمهوری ایتالیا

از طرف دولت
جمهوری اسلامی ایران

لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه، شامل مقدمه و بیست و نه ماده و پروتکل ضمیمه در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ پنجم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

غلامعلی حدادعادل
رئیس مجلس شورای اسلامی